حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

چارشنبه اول جدی
سال ۱۳۶۱
Dec. 22, 1982
شماره ۹۲ سال سوم
شماره مسلسل ۴۰۴
سال تأسیس: ۱۳۵۹

اتحاد شکست ناپذیر

گردهمایی مشترك کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، شورای عالی اتحاد شوروی و شورای عالی فدراسیون روسیه شوروی به مناسبت تجلیل از شصتمین سالروز تاسیس اتحاد شوروی دیروز در قصر کریملین گشایش یافت.

به گزار ش تا س از مسکودرین گرد هما یی رفیق یوری اندروپو ف منشی عمومی کمیته مر کزی حز ب کمو نست اتحاد شوروی، سایررهبران حزبی و دو لتی اتـــحاد شوروی و مهمانان بر جسته خارجی شر کـــت نمودند .

قرار یك خبر دیگر آژانس تاس رفیق یوری اندروپو ف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نست اتحاد شوروی بیانیه‌ای را درین گرد هما یی قرائت کرد .

گرد هما یی مشتر ك کمیته‌مرکزی حزب کمو نست ، شورای عالی اتحاد شوروی و شورای عالی فدراسیو ن روسیه به مناسبت شصتمین سا لگرد اتحاد شوروی توسط رفیق‌کانستا نتین چر نینکو عضو بیروی سیاسی ومنشی کمیته مر کز ی حزب کمو نست اتحاد شوروی افتتاح گردید .

رفیـق کا نستا نتین چـر نینکـو در بیانیه اش گفت :

راه تشکیل اتحاد جما هیر شورو ی سو سیا لیستی با انقلاب کبیر سو ـ سیا لیستی اکتو بر که مردمان روسیه را از ستم اجتماعی وملی نجات داد هموار گردید .

رفیق چر نینکو گفت : امروز نیز تجر به اعمار او لین دولت چندین ملتی کارگرا ن ، دهقانان ستاره راهنما ی رز مندگان راه تر قی اجتماعی بوده و نفوذ ژرفی را در امور مغلق وپیچیده قرن بیستم دارا میباشد .

سیاست لنینی ملیت ها ، مردمان روسیه را آزادی بخشید و آنها را از ستم استثمار گرا ن داخلی وخارجی نجات داده تما م آزادی ها و حقو ق کامل سیاسی رابه آنها اعطا کرد .

سیاست لنینی ملیت ها نیرو های بزرگ سازنده را در سراسر کشو ر بر انگیخت و حیا ت مجدد معنو ی‌تمام ملل وملیت های کشورما را شگوفانی کلتورملی ، غنای متقابله آنهاواید یال های انتر نا سیو نالستی کمو نستی را رهبری کرد .

در مجموع اینست ثمره های جدو جهد ومبارزه ما .رفیق چرنینکو علاوه کرد ، راه ما آسان نبود ، اشتباه نیز صورت گر فت ،ولی حزب با رهبر ی پیگیر در عمل به پیروی از لنین آنرا درك و تصحیح کرد .

ما از دشوا ری های زیادی با آبرو وسَر بلند گذشتیم و امروز دریـــن مناسبت خجسته میتوانیم اظهار داریم که دساتیر رفیق ولادیمیر ایلیچ لنین به واقعیت پیوست .

رفیق کو نستا نتین چر نینکودراخیر به شخصیت های حز بی و دو لتـی شر کت کنند گان در انقلاب اکتو بر حضار و مهمانان خارجی که جهـــت شر کت درین جشن از کشور ها ی مختلف جها ن گردآمده اند شاد باش گفته واز رفیق ی . و اندروپوف‌تقاضا نمود تابیانیهٔ شان را ایراد نماید .

متن بیانیه رفیق . ی . و . اندرو پوف

رفقا ی عزیز مهمـــا نا ن گرامی !شصت سال‌پیش‌خلق ها ی کشو رما که با انقلاب ظفر مند اکتو بر رها یی یا ـ فته بود ند رضا کارا نه متحد شد ند تا اتحاد جما هیـــر ســو سیـــا لیستـــی شورو ی را اسا س بگذار ند.

در پایا ن او لین کنگر ه وحد ت جمهو ری ها ی شو ـ رو ی که ایجاد اتحاد شورو ی را اعلا م می کرد میخا ییل کا لنین گفت :

«برای هزاران سال مغز ـ های اند یشمند بشر یت در تلا ش آن بود تا پرا بلم تیو ـ ریك پیدا کرد ن اشـــکا ل حکو مت را حل کنند و بـــه مردما ن امکا ن آن را بد هند تا بدو ن تشنج با تلا شـــ مشتر ك و زند گی در دو ستی و برادر ی حیا ت بسر ببر ند در عمل او لین قد م در ین جهت فقط امروز گذاشته شده است همین امروز»

تکامل سرمایه داری‌نتوانست ستم‌ملی رااز میان بر دارد در مقا بل ستم ملی در اثـــر اختنا ق استعمار ی به وخا ـ مت گرا یید طور ی که صد ها هزار انسا ن را مشتی ا ز قدر ت ها ی سر ما یه دار ی در محبس رکود اقتصاد ی و قطع جاد ه را ه پیما یی بـــه سوی ترقی زنجیر زده است.

ما ر کسیزم او لین اید ـ یا لو ژی بود که نشا ن داد سوا ل ملی و ملیت ها ارتباط ار گا نیك با سا خت اجتما ـ عی و طبقا تی جا معه و بـــه شکل مسلط ما لکیت بر ابزار تو لید دارد .

به عبار ت دیگر منا سبا ت بین ملیت ها سنگ بنا ی خود را در زمینه اجتما عی دارد . درست همین است که ما رکس و انگلس را به یك نتیجـــه اسا سی رسا نید و آن اینکه زد ودن اختنا ق اجتما عـــی شر ط اسا سی از بین برد ن ستم ملی است .

مار کس گفت: ظفر منـدی پرولتا ریا بربـور ژوازی در عین حال پیك رها یی بخشی است برا ی همه ملت ها ی تحت ستم شعار « زحمـــت کشا ن سرا سر جها ن متحد شوید » که تو سـط بنیـــان گذاران مار کسیز م ارا یـــه گردید شعار فنا نا پذیر ی بود این شعار دعو تی بو د برا ی یك نبرد بین المللـــی زحمتکشان جها ن علیه همـه اشکا ل ستمگـــر ی اعم از اجتما عی و ملی .

در شرا یط تار یخیْ جد ید کار کار ل مار کس و فردر ـ یك انگلس‌را لنین تعقیب کرد او جنبش انقلا بی را در زمانی رهبـر ری کرد که آفتا ب انقلاب بر خا ك روســیه در حا ل طلوع بود، طبعاً در کشور ی که آن را زند ان خلـــق ها می گفتند ، سوا ل ملیت هـــا جا ی عظیمی در بر نا مــــه حز ب بلشو یك و در سترا ـ تیژی و تا کتیك آن داشت .

لنین حق ملت ها را برا ی خود ارا دیت در محرا ق تو ـ جه خود قرار داده بود و آن را وسیله منحصر به فـــرد وحد ت با ثبات و وا قعی آن ها می پند اشت . فقط حـــق خود ارادیت بود که سنگـــك بنا ی اید یا لوژیك و سیا ـ سی وحد ت داو طلبا نه همـــه ملت ها یی را که به خا طر سقو ط تزار یزم و سا ختمان جامعه نوین در ستیز بودنـــد تشکیل میداد .

بههمین تر تیب ایــــــن سوال تو سط لنین چو کـــات بند ی شد و همین بود اساس پا لیسی لیننی در بر خور د با مسا له ملی انقلا ب اکتو بر شعار ها ی سیا سی و آرمان ها ی مرد م را به زبا ن روز ـ مره کار ساز ما ن یا فتـــــه تر جمه کرد .

خود زند گی همرا ه بـــا اقتصاد ، مسا یل اجتما عی پرا بلم ها و مسا یل دفا عی و خار جی این نیاز مند ی را بوجود آورد تا خلق ها بیك محور چنگ بینـــداز ند ، جمهور یت ها متحد شو ند و تمد ن عظیمی روی خرابه های در هم پا شید ه امپرا تور ی روسیه بنا شود .

آنچه امروز مهم است واز آن دورا ن ها ی پر هر ج و مرج انـتقالی فــرق دارد و آن اینســـت کـــه تقا ـ ضا برا ی نهاد ها ی سیا ـ سی و دو لتی امروز وجـــود دارد .

نهاد ها ی که همه اید ه ها ی عا م رادر پرو گرا م ملیت ها در بر دا شته با شد و این امر بحث ها و مشا ـ جرا ت دا غ را در بر داشته است .

عقا ید و مفکو ر ه ها ی گو نه گونه در تضاد با هـــم ابراز میگرد ید .

از پرو گرا م یك اتحاد یه شکننده تایك کنفدرا سیون‌از تقا ضا برای جو ششِ آنهــا تا ایجاد اتحاد برای خـــود مختاری همه این عقاید ابراز شد .

این نبو غ و پر ستیـــژ لینن بود که فقط یك‌راه‌مطمئن را در پیش گر فت و آ ن زاه فد را لیزم سو سیا لیستـــی بود .

ما هیت را هی را که لینن نشا ن داد چه بود .

بطور مو جز میتوا ن آنرا قرار ذیل بیان کرد :

«پیو ند داو طلبا نه خلـق های آزاد »ضما نت حداعظمی ثبا ت فد را سیو ن جما هیر شوروی سو سیالیستی‌است.

برابر ی کا مل همه ملت ها و ملیت ها ،امحای‌همیشگی تمام نابرابری ها ی حقو قی وغیر آن‌انکشاف بلا وقفـــه هر جمهوریت و هر ملیـــت در چا ر چو ب این ا تحادیه برا درا نه و حفظ شعـــور انتر نا سیو نا لیستی‌وپیمودن راه بسوی به هم پیو ستگی هرچه بیشتر ملت هاوملیت هااست.

درست در سا لی کـــه اتحاد شورو ی تشکیـــل گردید لینن کلما تی نو شت که این خط فکر ی او را د ر مساله ملی آشکار نشا ن می داد آن کلمات چنین است:

«پنج سال‌تجربه ما در حل مسا له ملی در کشور ی که تعداد زیاد ملیت ها در آ ن زند گی میکنند ما را معتقـد سا خته است که‌در تحـــت این شرایط تنها سیا ســـت درست و منطبق با منا فـــع ملت ها ی آن است تا ایـــن منا فع را بصورت کامل بـــر آورده سا زد و شرا یطی را ایجاد کند که امکا ن هرگونه بر خورد را از میا ن بـــر دارد .

لنین می نو شت ، تجر به ما اعتقاد ما را کاملتر سا خت که حفظ تو جه خا ص به‌منافع ملت ها ی مختلف زمینه‌هـای برخورد را دو ر میکند وحس عدم اعتماد متقابل را ازمیان بر می‌دارد ، تر س ازدسیسه را محو نموده اعتما د ی‌ایجاد میکند که به‌خصو ص از نظر کا رگرا ن ودهقا نا ن مربو ط زبا نها ی مختلف اهمیـــت دارد ز یرا بدو ن آ ن روا بط صلح‌آمیز میا ن خلق ها ویا چیزی هما نند با تکامل‌پیروز ـ مند همه جنبه ها ی ارزشمند مدنیت امرو ز کا ملا ناممکن است.»

ار شا دا ت لینن‌واصـــول جا ویدا ن اوپالیسی مر بو ط به مسا له ملیت ها همه ایـــن ها برای ما مقد س اند مابه این‌پایه‌هاتکیه زده ایم و بدون هرگو نه شك‌وتردید‌آنرادرعمل پیاده می کنیم ما دولت توا ـ نمند ی ایجاد کرده ایم و آن اتحاد جما هیر شوروی سو ـ سیا لیستی است که تا سیس آن‌نه تنها یك قد م بز رگـــ و جهنده‌درسمت تکا مـــل سوسیا لیزم بود بلکه یـــك نقطه چر خش تند درتاریـــخ جها ن محسو ب میگردید .

نتا یج دست ما یه هـــا واهداف سیا ســت مر بو ط به ملیت ها:

دو را نی را که طی شصت سا ل اخیر اتحاد شورو ی پشت سر گذا شت خـــود دو را ن تا ریخی بود ، مـــن می گو یم که تا ریخ هر گز رو ی چنین تر قی سر یــــع را از عقب ما نده گی فقـــر ومصیبت و خرا بی به نیرو ـ مندی یك قدر ت بزرگ‌مدرن همراه با سطح بسیا رمتکامل فر هنگ‌و سطح زند گـــی د رحا ل‌افزا یش بخود نه دیده است .

تا ریخ کا ملاتیوری‌مارکس ولینن راکه میگفت مسا لـــه ملیت ها صرف بر اسا س طبقا تی حل‌میشود ثا بـــت کرد. افترا ق ملی و همـــه اشکا ل نا برا بری هـــای نژاد ی و ستم ملی در گر د وغبار گذ شته یکجاباکشمکش های اجتماعی د فن‌شده‌ناگزیر جهان قبول کرد که حـــزب کمونست و سیا ست علمی‌آن

(ص۲)

رفیق ببرك کارمل منشی عمو مـی کمیته مر کزی ح.د.خ.ا و رئیس‌شورای انقلابی ج.د.ا هنگام مصاحبه مطبوعاتی‌درمسکو

رفیق ببرك کارمل:

ایجاد اتحاد شوروی یك حادثه عظیم وبی مانند

رفیق ببر ك کارمل منشی عمومی کمیته مرکز ی حز ب دمو کرا تیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقـلا بـی جمهوری دمو کرا تیك افغا ـ نستان پریروز دریك کنفرا ـ نس مطبو عا تی با اشترا ك خبر نگا را ن اتحاد شوروی و کشور های خار جی در مسکو شر کت نمو ده گفتند:

ایجاد دو لت اتحاد جما ـ هیر شورو ی سو سیالستی یك حاد ثه عظیم و بی مانند در تاریخ بشریت میبا شدکه برای او لین بار در تاریـــخ جهان یك دو لت کثیر الملت متحد و یکپار چه سو سیا ـ لستی ایجاد گر دید .

رفیق ببرك کارمل تأ کید کردند شصتمین سا لگـــرد تاسیس اتحاد شورو ی‌سو ـ سیا لستی از طر ف همــــه نیر وها و مردم پیشرو جهان وسیعاً تجلیل میگردد.

رفیق ببرك کارمل گفتند: روابط برا د رانه بین‌جمهوری دمو کرا تیك افغا نستـــا ن و اتحاد شورو ی توســـط لنین کبیر بنیاد نها ده شـــدو اتحاد شورو ی هیچگا هی از آن انحرا ف نخواهد کرد .

رفیق ببر ك کارمل بـــه تحو لات چشمگیر ی که در کلیه عر صه های زند گــی مردم افغانستا ن پـــس از انقلاب ملی و دمو کرا تیك ثور پدید آمده اشاره‌کردند.

رفیق ببرك کارمل گفتند:

(ص۲)

صدور پیام هـــای تبریکیه

از طرف رفیق ببرك کارمل‌منشی عمومی کمیته مرکز ی‌ح. د. خ.ا ورئیس شـــورای انقلابی ج.د.ا پیام‌آتی‌عنوانـــی‌رفیق تیو دورژ یـفکـــوف‌منشـــی عمـــو مـی حزب کمونست و رئیس شورای دو لتی جمهوری‌مردم بلغاریاصادر شده است .

رفیق تودور ژیفکو ف ، منشی عمو می حز ب کمو ـ نست و رئیس شورا ی دو ـ لتی جمهو ری مردم بلغاریا !

اجاز ه بد هید به منا سبت او لین سا لروز امضـــا ی معا هد ه دو ستی و همکار ی بین جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان و جمهوریت مردم بلغا ریا که به تار یخ ۲۲ ـ دسمبر ۱۹۸۱ در صو فیه به امضاء رسید ه بود از جا نب کمیته مر کز ی حز ب دمو ـ کرا تیك خلق افغا نستا ن ، شورا ی انقلا بی ، حکو مـت و مرد م زحمتکش افغا نستان و شخص خود مرا تب تبر ـ یکا ت صمیما نه را به شما رفیق گرا می تودور ژیفکو ف منشی عمو می کمیته مر کز ی حزب کمو نست بلغا ریـــا ، حکو مت و تما م مرد م زحمت کش بلغار یا تقد یم بدار م .

تحقق معا هد ه ، دو ستی و همکار ی بین جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستا ن و جمهو ریت مرد م بلغار یا که بر مبنا ی اشترا ك اهدا ف هر دو کشو ر در را ه تحکیم و انکشا ف و تعمیق روا بـــط دو ستا نه خلل نا پذیر و هم کار ی همه جانبه بین‌جمهوری دمو کرا تیك افغا نستا ن و جمهوری مردم بلغاریا اسا س تسا و ی حقو ق ، تما میـــت ار ضی و عد م مدا خله د ر امور دا خلی استوار می باشد در امر نزد یکی خلق هــــای ما نقش بارز و ساز ند ه را ایفا نمود ه و می نما ید .

روا بط دو ستی و برادر ی مو جود میا ن مرد ما ن ، حکو ما ت و احزا ب کشو ر ها ی ما دارا ی ریشه ها ی عمیق و نیرو مند تار یخـــی بود ه و با پیروز ی انقلا ب ثور و بخصو ص با پیروز ی مر حله نو ین و تکا ملی آن و بعد از امضا ی معا هد ه ، دو ستی و همکار ی بین د و کشو ر به سطح نو ین کیفی بر بنیاد اصل انتر نا سیو ـ نا لیستی پرو لتر ی و برادری طراز نو ین ار تقا یا فتـــــه است .

یقین کا مل دار م که در نتیجه توجه جدی‌شخص‌شمابه امر تحکیم همبستگی بیـــن خلق ها ی ما ، همکار ی متقا ـ بل با رور مو جود با ز هـــم تو سعه و انکشا ف هر چـــه بیشتر می نما ید .

اجاز ه بد هید با اغتنا م فر صت صحت‌کامل وپیروزی بـرای شخص شمـــــا ، رفا ه و سعاد ت برا ی خلـــق برادر بلغار یا آرزو نما یم .

با درود ها ی انقلا بـــی

ببرك کارمل منشی عمو مـی کمیته مرکزی حزب دمـــو ـ کرا تیك خلق افغـا نستان و رئیس شورای انقلابی جمهو ـ ری دمو کراتیك افـغا نستان

از طرف رفیق سلطان‌علی کشتمند رئیس‌شورای وزیران ج.د.ا پیام آتی عنوانی رفیق گریشا فیلیپوف رئیس‌شورای‌وزیران جمهوری مردم بلغاریاصادر شده است

رفیق‌گریشا فیلیپوف رئیس شورای وزیران جمهوری‌مردم بلغاریا

به‌مناسبت‌اولین سالروز‌امضای معاهد ه دو ستی و همکا ر ی بین جمهو ری دمو کرا تیـــك افغا نستا ن و جمهو ری مردم بلغار یا که به تار یخ ۲۲ ـ دسا مبر ۱۹۸۱ در صو فیـه به‌امضارسیده است،از جانب حکو مت جمهو ری دمو کرا ـ تیك افغا نستا ن و شخص خود تبر یکا ت صمیما نـــه تقد یم میدار م .

معا هد ه دو ستی و همکاری بین جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستا ن و جمهو ری مردم بلغار یا که مظهر در خشا نی از رو ابط نیك بـــرادر ی و همبستگی بین کشـــور ها ی ما ست امکا نا تی را میسر سا خته تا در تحکیم و تو ـ سعه منا فع‌اقتصادی، اجتما ـ عی ، تجا ر تی و کمك ها ی برادرا نه قد م ها ی وسیع تر ی بر داشته شود .

ما معتقد هستیم‌که انکشاف مز ید و تعمیق بیشتر ایـــن علا یق بر منا فع اسا ســـی مرد ما ن هر دو کشو ر مطا ـ بقت داشته و سهمی‌درتحکیم صلح و امنیت در سراســـر جها ن ایفا میدارد .

یکبار دیگر به نما یند گی از حکو مت جمهو ری دمو ـ کرا تیك افغا نستا ن ، ا ز مسا عد ت ها ی بی شایبه و همکار ی ها ی ثمر بخشـــ حکو مت جمهـــو ری مرد م بلغار یا ابراز امتنا ن مـــی نما یم .

سلطان علی کشتمندرئیس شو رای وز یران جمهـو ری دمو کرا تیك افـغـا نستا ن

بقیه ص اول

ایجاد اتحاد شوروی...

علی الرغم جنگ اعلام ناشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و باوصف ادامه اعمال تخریبی اقتصاد افغانستان بصورت فزاینده رو به رشد میباشد.

رفیق ببرک کارمل افزودند: عاید ملی به مقایسه سال گذشته دو اعشاریه چار فیصد ومحصول گندم پنج اعشاریه چار فیصد افزایش یافته است.

رفیق ببرک کارمل گفتند: دستمزد زحمتکشان بصورت قابل ملاحظه رو به فزونی است، دموکراسی واقعی برای اولین بار در تاریخ افغانستان برقرار گردیده که مظهر انکار ناپذیر آن گردهم آمدن بیش ازپانزده سازمان اجتماعی در تشکل جبهه ملی پدر وطن و بدور حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشد.

رفیق ببرک کارمل اضافه کردند که در افغانستان بیش از بیست ملیت مختلف وجود دارند، آزادی کامل عقاید مذهبی و تساوی کامل حقوق برای هر یک ازاین ملیت ها تأمین و تضمین گردیده است و آنها یک فامیل به هم بافته را تشکیل داده اند.

رفیق ببرک کارمل در مورد سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان گفتند: حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیوسته سیاست خارجی خود را بمنظورایجاد روابط دوستانه بر پایه‌اصول همزیستی مسالمت آمیز با تمام کشور ها مخصوصاً با کشور های همسایه دنبال مینماید که این آرزوی قاطبه مردم افغانستان میباشد.

رفیق ببرک کارمل تاکید نمودند که افغانستان یک دولت مستقل و غیر منسلک بوده، هست وخواهد بود.

رفیق ببرک کارمل علاوه نمودند که اعلامیه های حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان منتشره ماه می ۱۹۸۰ و اگست ۱۹۸۱ موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان را در مورد حل مسایل اطراف افغانستان به تفصیل بیان مینماید.

رفیق ببرک کارمل گفتند: که ما نیمه راه خود را صادقانه پیموده ایم و اکنون همه چیز مربوط به پیشآمد همسایگان ما و حسن نیت آنها و همچنان اراده شان در گردهمایی در عقب میز مذاکره ارتباط میگیرد.

رفیق ببرک کارمل گفتند: که ما همیشه آمادگی خویش را اظهار کرده ایم که با پاکستان به مذاکرات مستقیم بپردازیم، متأسفانه جانب پاکستان هیچ عکس‌العمل مستقل از ایالات متحده امریکا از خود نشان نداده و واشنگتن مسأله به اصطلاح افغانستان رابحیث یک‌بهانهٔ بمنظور تشدید اوضاع در منطقه مورد استفاده قرار میدهد.

رفیق ببرک کارمل گفتند: درنتیجه سیاست انعطاف پذیر جمهوری دموکراتیک افغانستان و مساعی سرمنشی سازمان ملل متحد راه برای مذاکرات غیر مستقیم باز شده و ما این مذاکرات را به نشانه آغاز خوب استقبال کرده، امیدواریم که این گفتگو های غیر مستقیم به مذاکرات مستقیم منتج گردد.

رفیق ببرک کارمل در ارتباط قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی گفتند: موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان با معاهده افغان ـ شوروی ماده پنجاه و یک منشور ملل متحد کاملا وفق دارد و به مجردیکه اعمال تخریبی و تروریستی که به حمایت امپریالیزم بین المللی در راس حکومت ایالات متحده امریکا علیه‌افغانستان صورت میگیرد متوقف گردد، پلان مربوط به عزیمت قطعات محدود نظامی اتحادشوروی‌از افغانستان مورد ارزیابی قرار گرفته‌میتواند.

رفیق ببرک کارمل گفتند: همین اکنون در قلمرو پاکستان بیش از نود کمپ وجود دارد که در آنها در چند سال اخیر بیش از یکصد هزار مزدور از طرف مشاورین امریکایی و سایر کشور های ارتجاعی تحت تربیه قرار داده شده اند، این اجیران جهت براه انداختن اعمال تخریبی و قتل وکشتار به جمهوری دموکراتیک افغانستان فرستاده میشوند.

رفیق ببرک کارمل اضافه نمودند که فیصله نامه اخیر یکی از کمیته های مجلس سنای ایالات متحده امریکا مبنی بر کمک به عناصر ضد انقلاب افغانستان شاهد انکار ناپذیر مداخله‌امریکا در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان و سیاست نظامیگرانه‌واشنگتن در منطقه میباشد.

رفیق ببرک کارمل علاوه کردند: اسلحه‌کیمیاوی ساخت امریکا از طرف ضد انقلاب به داخل افغانستان آورده شده و بخصوص‌حادثه در شهر هرات بوقوع پیوست که عاملین آن دستگیر وبه جنایات شان اعتراف کردند. سپس‌فوتوهایی اسلحه کیمیاوی ساخت امریکابه‌ژورنالستان ارائه‌شد.

رفیق ببرک کارمل ضمن تماس به‌اوضاع شرق میانه گفتند که ما از مبارزات عادلانه مردم عرب‌فلسطین وتأسیس دولت مستقل فلسطین بصورت قاطع و همه جانبه حمایت می نماییم. (ب)

پیام های تبریکیه

از طرف رفیق اناهیتا راتب زاد عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌رئیس‌سازمان صلح همبستگی و دوستی ج. د. ا. و رئیس انجمن دوستی افغان ـ شوروی پیام های تبریکیه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس‌اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی‌عنوانی کروگ لوا رئیسه انجمن های دوستی وروابط فرهنگی اتحاد شوروی باکشور های خارجی سرگی انتونوف رئیس انجمن دوستی شوروی ـافغان وهمچنان کمیته های دفاع از صلح و همبستگی با خلق های آسیا و افریقای اتحاد شوروی به مسکو صادر گردیده است.

رفیق اناهیتا راتب زاد درین پیامها به نمایندگی از سازمان صلح، همبستگی ودوستی وانجمن دوستی افغان ـشوروی واز جانب‌خود بهترین تبریکات وتمنیات رابه مناسبت‌شصتمین سالروز فرخنده تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مثابه نتیجه قانونمند پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر این بزرگترین جهش و عظیم ترین تحول در سر تاسر تاریخ جامعهٔ بشری به آنها واز طریق آنها به تمام خلق های اتحاد شوروی ابراز کرده است.

بقیه ص اول

متن بیانیهٔ رفیق ی.و. اندروپوف

نیروی رهبری کننده در حل سوسیالیستی مسأله ملیت هاو ضمانت نیرومند این راه حل درست است. مناطق عقب مانده و اقلیت نشین که بسیاری از آنها دردوره های طی پدرشاهی فیودالی زندگی میکردندو حتی روابط قبیلوی در آنجا مسلط بود به کلی تغییر کرد.

یک مجتمع به هم جوش خورده‌اتحاد وسیع بر بنیاد رشد دینامیک اقتصادی همه جمهوریت ها انکشاف کردو این انکشاف عمومی پلان شده بود و توسط پلان دولتی رهبری میشد تغییر کیفی در ساختاراجتماعی جمهوریت ها بوجود آمد، طبقه کارگر مدرن درهریک از آن جمهوریت ها ظهور کرد، دهقانان در مسیر تازه کشت دسته جمعی قرار گرفتند و جامعه‌روشنفکر خود را به بار آورد، کدر های ما در تمام عرصه های زندگی دولتی واجتماعی تربیت یافتند.

فرهنگ سوسیالیستی چند ملیتی بر پایه‌عنعنات مترقی و تبادل وسیع ارزش های فرهنگی بنیاد شد، ملت های سوسیالیستی ایجاد گردیدند که امروزجامعه نوین تاریخی را بنام‌مردم شوروی تشکیل میدهند.

منافع جمهوریت ها هرچه بیشتر با هم بافت می خورد و همکاری وارتباط متقابل بین آنها این کوشش عظیم و خلاق ملیت های‌اتحاد شوروی رادریک مسیر واحد هرچه ثمر بارترمیسازد.

تکامل همه جانبه هر ملت سوسیالیستی درکشور ماازنظر منطق هرچه بیشتر آنها را بهم نزدیک میسازد.

هر جمهوریت متحده در فدراسیون روسیه او کراین وبیلو روسیه ،تاجکستان ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان ارمنستان، گرجستان، اذربایجان، لتوانیا وملداویا، لیتوانیا، استونیا و قرغزستان‌سهم ارجمندی در رشد عمومی اقتصاد و فرهنگ اتحاد شوروی دارند.

این ها فقط یک بهم‌پیوستگی چند جمهوریت نیست بلکه سر هم گذاشتن همه قابلیت ها و ظرفیت های خلاق ماست.

تمام ملت ها و ملیت ها ئیکه در بیست جمهوری خود مختار و هجده منطقه خود مختاربه‌سرمی برند پیروزمندانه ظرفیت ها و استعداد های خود را در اختیار یک خانواده برادر می گذارند.

ملیونها المانی،پولندی کوریایی، کرد و مردم دیگر ملیت ها که از سالهای‌قبل اتحاد شوروی برای شان خانه ووطن شان شده است اتباع کامل‌الحقوق شوروی هستند.

خلق های کشور ما مخصوصاً سپاسگزار مردم روسیه هستند در هیچ یک از جمهوریت ها اگر همکاری برادرانه و بی‌شائبه این مردم نمی بوددست آورد های امروزی قابل تصور نبود.

زبان روسی که به صورت طبیعی در حیات ملیونها خلق هر یک از ملیت ها به حیث یک ضرورت روز داخل شده است عامل مخصوصاً مهم در حیات اقتصادی سیاسی و فرهنگی آن ها محسوب گردیده و این ملت ها و ملیت ها را در همه دست آورد های مدنیت جهان امروز و گنجینه های تمدن شریک می سازد، قانون اساسی اتحاد شوروی نقطه عطف عمده در تحکیم اساس و تهداب دولت‌ملی جامعه شوروی شمرده می شود.

این وثیقه برجسته نه فقط نتایج انکشاف ماقبل را جمع‌بندی‌میکند بلکه اصول ثابته سیاسی حقوقی را به خاطر توحید و به هم فشردگی‌ملت هاو ملیت‌ها درخشش میدهد. در گذشت شصت سال در مناسبات بین ملیت ها در حل مسأله‌ملی، مسأله که از نظام استثماری برای ما به میراث گذاشته شده بود و موفقانه و به نحو برگشت ناپذیر و برای هیمشه حل‌گردید، تحولات عمیق کیفی رخ داده است.

درست ده‌سال پیش در همین تالار رفیق لیونید بریژنف سخن می گفت و اظهار می کرد که در این کشور مناسباتی انکشاف کرده است که در تاریخ سابقه ندارد و ما کاملا حق داریم این مناسبات را دوستی لیننی خلق ها بنامیم.

رفقا! این مناسبات یکی از دست آورد های با ارزش ما است یکی از دست آورد های مهم سوسیالیزم است که در قلب هر تبعه شوروی بسیار عزیز است. ما مردم شوروی همیشه این دوستی را به حیث ارجمند ترین ثروت خود گرامی خواهیم داشت.

امروز در این سالگرد بزرگ ما باآن نسل‌های‌مردم شوروی به آن ملیت ها زنان و مردان کارگران و دهقانان، روشنفکران، کارمندان حکومتی و حزبی افراد نیرو های مسلح، کمونست ها و مردم غیر حزبی به همه کسانیکه برای ما سوسیالیزم راساختند و سر بلند این ایدیالوژی را پس از یک جنگ تلخ افراخته نگه داشتند تعظیم می کنیم.

و به همه آنانی سپاس گزاریم که رویای چند قرنه مردمان را برای مساوات، دوستی و برادری میان خلق ها تحقق بخشیدند.

رفقا! با جمع بندی آنچه حاصل شده است ما طبعاً توجه عمیق خود رامتوجه آنچه حاصل نشده است می سازیم هدف و آرمان ماواضح است. بیایید از لنین نقل قول کنیم.

«وظیفه تنها آن نیست‌که فقط ملت ها را بهم نزدیک وخلط بسازیم.»

حزب کاملا ازین حقیقت که راه پیمایی به سوی این هدف دور ودراز خواهد بود آگاه است به هیچ حساب نباید جلو این روند که همین اکنون به پختگی رسیده است گرفته شود.

پیروزی در حل مسأله ملیت ها به هیچ طریق معنی آن را ندارد که همه پروبلم های زاییده حقایق زندگی و کار ملت ها و ملیت های مختلف در چوکات یک دولت واحد از بین رفته است تا زمانیکه‌ملت ها زنده هستند تا زمانیکه تفاوت های ملی وجود دارند از میان رفتن این پروبلم ها به مشکل امکان دارد. بنابر آن این مشکلات برای مدتی در آینده ادامه خواهند داشت. این پروبلم ها در زمانی طولانی تر بعد از حل پروبلم های مربوط به تفاوت های طبقاتی حل خواهند شد. بهمین علت است که تحقق سوسیالیزم تکامل یافته مستلزم پالیسی علمی و بسیار دقیق درمورد مسأله ملیت ها می باشد.

می خواهم در این جا از بعضی از اهداف یاد دهانی کنم. من قبلا خاطر نشان کردم که یک اتحاد واحد چه منافع عظیم و بزرگی برای خلق هاو جمهوریت های کشور ما داده‌است، معذالك ظرفیت ها مادر چار چوب همچو یک‌اتحاد هر چه بیشتر گردیده است.

به طور مثال در ساحه اقتصاد، وسایل تولیدی مدرن هر چه بیشتر مستلزم بهم پیوستگی ملت های مختلف است. هر چه بیشتر مستلزم انسجام نزدیک و ماهرانه همه مساعی جمهوریت ها و منطقه های مختلف می باشد، استفاده همه جانبه از منابع طبیعی و قوای بشری، خصوصیت های اقلیمی هر جمهوریت و استفاده از ظرفیت های عمومی آن ها بزرگترین منافع را برای منطقه هر ملت و هر ملیت و برای دولت به صورت یک کل ببار خواهد آورد.

همین است خطوط اساسی وعمومی ما برای آن که آنرا در عمل پیاده کنیم باید انجمن های اقتصادی و پلان گذاری مرکزی و محلی بیشتر کار کنند. در کار توزیع وسایل تولید تثبیت تخصص های منطقوی و همکاری و ارتباطات اقتصادی و ترانسپورت بهبودی حاصل شود. البته اینکار آسانی نیست اما در اجندای بحث ما شامل است و در صورتی که انجام داده شود منافع عظیمی نصیب کشور شوراها خواهد شد.

تمام کشور اکنون روی یک برنامه غذایی کار می کند و این برنامه اشکارا هدف های مشخص همه جمهوریت های متحده را تسریع می کند و هر یک از آن ها به خاطر افزایش سهم خود در آتیه نزدیک کوشش میکنند تا مسأله عمده عرضه بدون وقفه غذایی به همه مردم شوروی حل شود. ما میدانیم که برنامه تصویب شده با وظایف فوری و عاجل سروکار دارد اما اگر افق دید خود را وسیعتر سازیم این یک امر بدیهی خواهد بود که انکشاف هر چه بیشتر مجتمع زراعتی، صنعتی و به خاطر آن تکامل اقتصاد کشور به صورت یک کل مستلزم تخصصی ساختن زراعت در یک معیار ملی می باشد. نکته دیگر آن است که در کشور پهناوری مانند کشور ما ترانسپورت بخصوص نقش ممتاز در اقتصاد سیاست و اگر اجازه بدهید حتی روان مردم بازی می کند بسیار مشکل است که انکشاف تسریع شده همه جمهوریت های ما و گسترش همکاری های اقتصادی میان آن ها بدون یک شبکه فعال ترانسپورتی تأمین شود. اما انکشاف ترانسپورت تنها بنابرآن دلایل‌محض اقتصادی‌مهم نیستند انکشاف ترانسپورت شبکه های جاده ها به طور مثال کمک بزرگی برای جابجا کردن پرسونل در محلات روستایی می نماید، طوریکه روستاها را از نزدیک با شهر ها ارتباط میدهد البته ترانسپورت در برآوردن وظایف بزرگ اجتماعی وتأمین هر چه عاقلانه تر استفاده از قوای بشری نیز بی اثر نیست، ترانسپورت با آسان ساختن تماس های روزمره انسان در معیار کل کشور و تأمین ارتباطات حیاتی بین همه جمهوریت ها و مناطق مملکت ما دست آورد های تمدن سوسیالیستی را به مفهوم وسیع کلمه در اختیار خلق ها قرار میدهد.

یکجا شدن ما در این اتحاد خود منبع ثروت عظیم مادی و طبعاً معنوی مردم شوروی محسوب میگردد. معذالك هنوز همه ظرفیت های دست داشته خود را به استفاده نه گرفته ایم.

ما باید به شکل خستگی ناپذیری در جستجوی میتود ها و اشکال جدید کار باشیم که مناسب با نیازمندی های امروزی ما بوده و غنا های فرهنگی مشترك مارا بارور تر بسازد وبه هر کسی زمینه آن را فراهم نماید که از بهترین دست آورد های فرهنگی هر یک ازخلقهای ما استفاده کنند. رادیو و تلویزیون و طبعاً رسانه های گروهی‌در مجموع نقش فزاینده در این تلاش نجیبانه داشته اند.

البته باید به خاطر داشت که عناصر خوب و بد وعناصر زمانزده و کهنه در میراث فرهنگی ما در عنعنات و سنت های هر یک از ملت های ما وجود دارد پس وظیفه دیگر ما آنست که عناصر بد را حفظ نکنیم و آنچه را که کهنه شده است و در نقطه مقابل با موازین حیات جامعه شوروی، اخلاق سوسیالیستی و آرمان کمونیستی ما قرار میگیرد به دوراندازیم.

ارقام نشان میدهد که پیشرفت اقتصادی و فرهنگی همه ملت ها و ملیت ها همگام بارشد خود آگاهی ملی آنها است. این یک پروسه منطقی و عینی است، معذالك مهم است‌که غرور طبیعی که کسی‌نسبت به دستاورد های خود ش میداشته باشد نباید با بوجود آمدن یک لجاجت ملی پایمال گردد. به عبارت دیگر ملیت ها بدور جاذبه خود نچرخند و طوری نشود که یک ملت یا ملیت به ملت یاملیت دیگر احترام نگذارد. بهر حال این رویداد منفی هنوز وجود دارد و غلط است‌اگر همه صلاحیت آن‌را فقط بدوش بقایای گذشته بگذاریم این رویداد ها بعضاً از ریشه اشتباهاتی که ما در کار خود میکنیم آب میخورد. در اینجا رفقا، هیچ چیزی را باید ناچیز نیانگاریم، همه چیز مهم است. روش ما در برابر زبان، در برابر باقیمانده های گذشته در تفسیر حوادث تاریخ و راهی که‌ما برای تحول روستاها ومناطق شهری در پیش‌گرفته ایم و بر شرایط زندگی‌و کار تاثیر میگذارد اینها همه مهم هستند.

منهاجرت های طبیعی نفوس هر یک از جمهوریت های مارا وبدرجات متفاوت هریک از مناطق و شهر های مارا بشکل فزاینده یی چند ملتی میسازد. یعنی که حزب و ارگانهای دولتی وهمه کادر های محلی ما بنحو فزاینده یی درتطبیق پالیسی حزب در مورد ملیت ها موثر و مهم میشوند.آنها بایداصول والای این‌پالیسی را روز تا روز عملیترسازند وروابط متوازن و برادرانه میان نمایندگان همه ملتها و ملیتها چه کوچک و چه بزرگ در کار و حیات روزمره تأمین گردد.

حزب همیشه توجه بزرگی به‌رشد واحد های ملی طبقه کارگر شوروی معطوف میدارد. طبقه ایکه نیروی رهبری کننده جامعه ما است و نتایج آن برای همه واضح است. امروز کارگران بزرگترین گروه اجتماعی را در همه جمهوریت های متحده تشکیل میدهند.

معذالك در بعضی از جمهوریت ها خصوصیات‌ماهوی ملی‌بصورت کامل‌درطبقه کارگر، آن جمهوریت تمثیل میشود. پس وظیفه یی که کنگره(۲۶) حزب‌کمونست شوروی روبروی ما گذاشته است عبارت است از توسعه و بهبود کار پرورش کارگران ماهر از میان همه ملتها و ملیتهای ساکن درجمهوریت های متخلف، نیازمندی برای آن هم خصلت اقتصادی دارد هم سیاسی، کولکتیف های کارگر چند ملتی بالاتر از همه در صنایع چنان‌شده است که روحیه انترناسیونالستی در آن بسیار متجلی است و مناسبات برادرانه و دوستانه میان خلقهای اتحاد شوروی در آن هر چه قویتر شده است.

تمثیل و ترکیب ارگانهای حزبی و دولتی از لحاظ هر جمهوریت بصورت یک کل سوال بسیار مهم است و البته در اینجا ما نمیخواهیم کدام اشاره خاص نمائیم، آنچه مهم است آنست که ریاضیات و اعداد نمیتوانند مساله تمثیل را انعکاس‌دهد، باید تلاش مجدانه ومصرانه یی صورت بگیرد که تمثیل متناسب همه ملیت ها در هر یک از جمهوری ها، در همه ارگانهای حزبی و دولتی تا همه سطوح تأمین گردد. توجه مناسب‌به‌کفایت‌واوصاف اخلاقی و سیاسی دقت در امور و دقت در انتخاب کادر ها مخصوصاً تا جائیکه مربوط به ترکیب چند ملتی اتحاد ما و جمهوری های خود مختار میباشد یک ضرورت خاص است.

(ص۳)

متن بیانیهٔ رفیق ی. و. اندروپوف

(بقیه صفحه ۲)

وظیفه مهمتر از آن ادامه کار، تقویه روحیه احترام متقابل و دوستی میان همه ملتها و ملیتهای همه کشور محبت و عشق به کشور بزرگ شوراها، انترناسیونالیزم وهمبستگی با کارگران همه کشورها است. همه سازمانهای حزبی و دولتی، شوراها، سندیکاهای کارگری ونیروهای مسلح که مکتب خوبی برای انترناسیونالیزم میباشد موظف اند تا بخاطر بر آورده ساختن این هدف بکوشند، بدین منوال تکامل نهادهای تربیتی باید مورد توجه هر یك از ما باشد. درساحه آموزش و پرورش انترناسیونالستی، مانند عرصه ایدیولوژیکی و کار سیاسی، توده یی خود با وظایف بس بزرگی روبرو میباشیم. نمادهای مشخص واطمینان بخشی در دستاوردها و پیشرفت های ما وجوددارد، بررسی وتحلیل ژرف پروبلم های جدید که یکی پشت دیگر با تکامل حیات زاییده میشوند، تازه های فکری و لسانی همه اینها عناصری اند که ما ضرورت داریم آنرا در نظر بگیریم، ما ضرورت داریم تبلیغات خود را بهبود بخشیم ما باید حقیقت گو وواقع گرا باشیم، صمیمی و ساده بیان و در نتیجه در گفتار خود موثر باشیم.

پیشرفت بیشتر در راه همکاری و دوستی میان خلقهای شوروی تا حد زیادی مربوط است به تعمیق دموکراسی سوسیالیستی، دستیابی هرچه وسیعتر زحمتکشان همه ملیت ها در امرادارهء اموراجتماعی و دولتی گرایش عمده یی در حیات سیاسی کشور ما است و حزب ما هرچه در قدرت دارد در بهبود این وضع خواهد کوشید.

رفقا!

اینها همچنین به این معنی است که مسایل مربوط به روابط میان ملت ها هنوز در اجندای جامعه به پختگی رسیده سوسیالیستی قرار دارد. این مسایل خواستار دقت بخصوص و توجه دایمی به نقش حزب کمونست میباشد. حزب باید عمیقاً به این موضوعات توجه کند و راه های حل آن را طرح و به این ترتیب اصول لیننی پالیسی ملیت ها را با استفاده از غنای تجارب سوسیالیزم تکامل یافته غنا بخشد. ما در مورد مسایل موجود وهم راجع به وظایف بزرگ خود بی پرده و عریان صحبت میکنیم زیرا یقیناً میدانیم که حتماً باید آنها را حل کنیم.

آنچه ما ضرورت داریم بیشتر عمل است نه گفتار تا اتحاد عظیم و نیرومند جمهوریت های سوسیالیستی شوروی را نیرومندی بیشتر بدهیم، یقین دارم که در این نظر همه کسانی که دراین تالار حاضر اند همه رفقای حزبی و تمام مردم شوروی با من شریک هستند.

اتحاد شوروی مشعل یك داعیه بزرگ برای صلح و آزادی خلقها

رفقا!

در سی ام دسامبر ۱۹۲۲ درست در روز اعلام تاسیس اتحاد شوروی که درمسکو تصویب شد در کنفرانس لوزان راجع به ارشادات لینن گفته شد که بنا تأسی از منافع جهانشمول صلح، اتحاد جماهیر شوروی وظیفه مبرم خود میداند تا هر آنچه در قدرت دارد برای ایجاد برابری سیاسی همه نژاد ها، احترام به حق خلقها برای تعیین سر نوشت وعدم وابستگی کامل سیاسی واقتصادی همه دولت ها به خرج دهد.

همان است که ماهیت سیاست خارجی نوینی که اولین کشور پیروزمند سوسیالیستی جهان شروع به تعقیب بلا انحراف آن کرد، به مفهوم فراگیر خوداساس گذاری شد و کشور های جدید سوسیالیستی ظهور کردند مناسبات بین المللی طراز نوین بوجود آمد، این مناسبات بر پایه وحدت ایدیولوژیک، اهداف مشترك و همکاری رفیقانه واحترام کامل به منافع خصوصیات ممیزه و سنن هر کشور استوار است ودر محراق همه اصل انترناسیونالیزم سوسیالیستی قرار گرفته است.

کشور های سوسیالیستی باید آزمون های سختی رادر راه تکامل این روابط پشت سر میگذاشتند. تجارت پیشین بشریت به این پروبلم ها که زندگی پیش رو گذاشته بود جوابهای مشخصی نمیداد طبعاً همه چیز درست از آب در نیامد، بیشتر به علت آن که کشور های که سیستم جهانی سوسیالیستی را تشکیل دادند از سطوح متفاوت از هم چه از لحاظ تکامل داخلی وچه از لحاظ شرایط خاص بیرونی، سربالا کرده بودند واین کشور ها همچنان همیشه نتوانستند از تحولات درون جهان سوسیالیستی موفقانه ودرزمان مناسب نتیجه گیری کنند.

اوضاع بین المللی نیز زمان زیاد برای بازتاب نمیداد. اشکال جدید مناسبات می بایست در حال حرکت و شتاب تجربه میشد. حتی تصوراتی ایجاد شد که می گفت توقف کنیم، اشتباهاتی رخداد که ناگزیر باید قیمت آنرا می پرداختیم، ولی آنگاهی که امروز کشور های خودرا ارزیابی میکنیم با رضایت میتوانیم بگوییم که از گذشت زمان آموخته ایم وجامعه سوسیالیستی امروز یك ارگانیزم سالم توانمند است که نقش بزرگ ونافعی در جهان بازی میکند.

و میکانیزم همکاری برادرانه عرصه های مختلف حیاتی کشور های مارادر برمیگیرد. ما با سر هم گذاشتن منابع خود بشکل فزاینده یی روش های موثر هماهنگی منافع جامعه خود ما ومنافع هر یك از کشور های عضو رادرمی یابیم، حتی امروز بحق میتوان گفت که تقریباً همه مشکلات را پشت سر گذاشته ایم وبه ارمان خود رسیده ایم که آنچه دیروز برای ما قناعت بخش بود امروز ضرورت به بهبود دارد.

کشور های جامعه ما، وظایف بس خطیری پیش رو دارند. وظیفه دفاع از دستاورد های سوسیالیستی وارزشهای آن بر علیه تعرضات امپریالستی، وظیفه مبارزه مشترك برای صلح ودیتانت پایدار، بهبود هر چه بیشتر همکاری سیاسی وبالاخره بوجود آوردن زمینه های جدید برای هم پیوستگی اقتصادی.

• در فرجام کار زیادی هنوز باقیمانده و میخواهم بشما اطمینان دهم که اتحادشوروی با هر آنچه در قدرت دارد برای نیرومند تر ساختن و بارورتر کردن نظام سوسیالیستی جهانی، خواهد کوشید.

رفقا! تجربه سوسیالیستی

حل مسأله ملیتها در تعدادی از کشور های دیگر که زنجیر های استعمار را شکسته اند بدقت موشگافی شده است. پیشرفت های ما در اعمار سوسیالیزم پیروزی دورانساز بر فاشیزم و شگوفانی جوامع ملتها و ملیتهای شوروی رهگشای بزرگی برای مبارزه آزادیبخش ملی بوده است.

پیکار قاطعانه و پر توان اتحاد شوروی برای استعمار زدایی وپشتیبانی بی بدیل آن برای آزادی و برابری ملتها راه پیمایی آنها را در جاده آزادی و ترقی آسان کرده است واین حقایق را خلقهای آسیا وافریقا، اعراب و امریکای لاتین میدانند.

• دولتهایی جوانی که از بند های استعماری رهائی یافته اند دروضع حاضر از دوران دشوار تثبیت خود وانکشاف اجتماعی میگذرند.

باز مانده های استعماری از قبیل عقب ماندگی، کشمکش ها وبرخورد های درونی راه آنها را ناهموار میسازدوبدان درجه نیرو مندی نیستند که از خطرات ناشی از دامنهای متعدد نو استعماری بجهند. معذالك اطمینان داریم که مقاومت قاطعانه در برابر امپریالیزم، ستراتیژی تثبیت شده ومشخص انکشاف اقتصادی و اجتماعی، سیاسی، احترام متقابل به منافع وحقوق هر یك مردمان، این کشور ها در فراجهیدن از این مشکلات کمك خواهدکرد مشکلاتی که میتوان آنها را دردهای روز افزون نامید.

مردم شوروی همه پیروزی های بزرگ رابرای این مردمان در تحکیم استقلال ودر پیکار شان برای بهروزی وترقی آرزو میکند.

ما به جنبش عدم انسلاك که پالیسی صلح آن در روابط بین المللی کمکهای مفیدی انجام میدهد، احترام میگذاریم مابه نحو خدشه ناپذیر در خط آنانی قرار داریم که برای آزادی واستقلال وبقای مردمان خود می جنگند، با آنانی هستیم که قربانی تجاوز ویا تهدید به تجاوز قرار گرفته اند. موضع ما از کوشش خستگی ناپذیر و پاینده اتحاد شوروی برای صلح همیشگی در کره خاکی جدا ناپذیر است. در گذشت این شش دهه موضع دولت شوروی عمیقاً تحول دیده است، پرستیژ ونفوذ آن وسیعاً گسترش یافته است، همکاری صلح آمیز اتحاد شوروی را با کشور های همه قاره ها پیوندمیدهد آواز وصدای شوروی درهمه مجامع و ستیج های بین المللی وزن واحترام دارد. اصول همزیستی مسالمت آمیز این اساس سیاست خارجی شوروی شناسایی بین المللی کسب کرده و در تعدادی از اسناد بین المللی بشمول فیصله نهایی کنفرانس اروپایی منعقده هلسنکی انعکاس یافته است. پیشنهاد های شوروی اساس تصامیم عمده سازمان ملل را درمورد تقویت صلح وامنیت تشکیل میدهد اما برای هر قدمی که در جاده استقرار صلح دایمی بر می داریم کوشش زیادی بعمل می آید، صلح دایمی خواستار مبارزه حاد علیه جنگ طلبان امپریالیستی است، این مبارزه مخصوصاً امروز که محافل جنگ طلب در غرب فعال گردیده اند و نفرت طبقاتی شان از سوسیالیزم همه ملاحظات واقع گرایی وبعضاً عقل سلیم را تحت شعاع قرار میدهد مخصوصاً حاد گردیده است.

امپریالستها هنوز دست از نقشه های جنگ اقتصادی با کشور های سوسیالیستی ومداخله در امور داخلی شان به امید از بین بردن سیستم اجتماعی شان بر نداشته اند ومیکوشند بر تری نظامی بر اتحاد شوروی وتمام کشور های جامعه سوسیالیستی کسب کنند البته این نقشه ها محکوم به شکست است. هیچکس قدرت ندارد حرکت تکامل تاریخ رابر گشت بدهد، تلاش برای به مشکل قرار دادن سوسیالیزم حتی در روز ها ئیکه دولت شوروی هنوز تازه سینه خود را از زمین بلند میکرد وتنها دولت سوسیالیستی در جهان بود با شکست مواجه شد بنا برآن بصورت حتم این تلاشها امروز نیز جایی را نخواهد گرفت.

ولی نمیتوان از ین حقیقت چشم بست که سیاست موجود واشنگتن مبنی بر ثبات زدایی، اوضاع بین المللی را تامرحله خطرناکی وخیم ساخته است.

تدارکات رزمی در ایالات متحده امریکا و در بلاك ناتو به میزان بی سابقه یی رسیده است، شنیده میشود که سخن گویان رسمی در واشنگتن از امکان جنگ محدود ذروی و جنگ تحمل پذیر ذروی و سایر اقسام برخورد های هسته یی صحبت میکنند هدف آنست که مردم را به این فکر عادت بدهند که همچو یك جنگ قابل قبول می باشد.

کسی باید کور باشد که واقعیت زمان را نبیند ونفهمد که وقتی اگر سمارق اتومی بالا شد از چار چوب کنترول بیرون خواهد ریخت و فاجعه جهانی را ایجاد خواهد کرد.

موضع ما در این مسأله روشن است. بهجنگ هسته یی چه خورد باشد چه بزرگ چه محدود باشد چه عمومی هر گز باید اجازه اشتعال داده نشود امروز هیچ وظیفه بالاتر از آن نیست که آتش افروزان یك جنگ دیگر را متوقف کنیم این خواست منافع حیاتی همه ملتها است. به همین علت است که تعهد یکجانبه اتحاد شوروی مبنی بر اینکه اولین استعمال کننده سلاح هسته یی نخواهد بود باتایید و امید مردم سراسر جهان روبرو شد. اگر مثال ما را دیگر قدرتهای هسته یی دنبال کنند کمك بزرگی بمساعی برای جلو گیری از اشتعال آتش ذروی صورت خواهد گرفت. گفته میشود که غرب نمیتواند چنین تعهدی بدهد زیرا به ادعای آنها پیمان وارسا از نظر سلاح های غیر هسته یی جلو تر است. در همین آغاز باید گفت که چنین چیزی حقیقت ندارد و حقایق و اعداد گواه خوبی است.

از آن گذشته هر کسی می داند که ما جانبدار محدود کردن این سلاحها نیز هستیم و میخواهیم برای این مأمول راه حل قابل قبول متقابل و معقولی را جستجو کنیم. ما همچنان آماده ایم موافقه کنیم که هر دو جانب اعلان کنند که اولین استعمال کننده سلاح های غیر هسته یی و همچنان هسته یی نباشند.

البته یکی از جاده های اساسی که منتج به کاهش واقعی خطر برخورد هسته یی میشود آنست که شوروی و امریکا موافقت نامه یی درمورد تحدید و کاهش سلاح های ستراتیژیك هسته یی امضا کنند. ما مذاکره در موردین موضوع را باحس مسوولیت کامل به پیش میبریم و در جستجوی موافقتنامه صادقانه یی که برای هیچ یك از طرفین زیان بار نباشد ودر عین حال جبه خانه های ذروی هر دو طرف را کاهش بدهد میباشیم.

متأسفانه تا کنون مارویش متفاوتی از جانب امریکا می بینیم واشنگتن در حالیکه در حرف طالب کاهش های اساسی است در واقع در مغز خود چنین پلان دارد که توانایی ستراتیژیك شوروی راکاهش بدهد.

ایالات متحده برای خودمی خواهد تا دست آزاد را حفظ کند و هرچه بتواند سلاح های ستراتیژیك خود را افزایش بدهد یك امر غیر عقلانی است که حتی فکر شود که ما با چنین چیزی موافقه خواهیم کرد. البته چنین چیزی مناسب پنتا گون است ولی به هیچ حساب برای اتحاد شوروی قابل پذیرش نمی باشد. نه تنها برای اتحاد شوروی بلکه برای همه آنانی که نفعی در حفظ و تحکیم صلح دارند. حالا اینها را با پیشنهادهای شوروی مقایسه کنید این پیشنهاد ها بر اساس اصل حفظ برابری استوار است ما حاضریم سلاحهای ستراتیژیك خودرا بیست و پنج فیصد بیشتر کاهش بدهیم و ایالات متحده نیز باید همین کار را بکند تا هر دو دولت عین تعدادوسایل انتقال اسلحه ستراتیژیك را داشته باشند ما همچنان پیشنهاد میکنیم که تعداد کلاهك های هسته یی جداً کاهش یابد و بهبود کیفی سلاح هسته یی تا حد اعظمی محدود شود.

پیشنهاد های ما بدون استثنا شامل همه انواع سلاحهای ستراتیژیك می شود. پیشنهاد های ماخواهان تقلیل ذخایر سلاحهای ذروی تا صد ها واحد میباشد. این پیشنهاد ها تمام دریچه های احتمالی را هر افزایش در مسابقه تسلیحاتی دراین ساحه محکم خواهد بست و این صرف یك آغاز خواهدبود موافقتنامه در این مورد زمینه برای کاهش های وسیعتراین سلاح ها ست که هر دوجانب در ارتباط با وضع عمومی ستراتیژی جهانی انجام خواهند داد.

حکومت ایالات متحده امریکا این را نمیخواهد و هر کس میداند چرا امریکا در مسیر افزایش جدید و بزرگ سلاح های ذروی قرار گرفته است تلاشهای واشنگتن برای توجیه این افزایش البته بی ارتباط است، ادعای عقب افتادن از اتحاد شوروی که امریکایی ها میخواهند آنرا ترمیم کنند یك دروغ عمدی است. بیشتر از یکمرتبه این مسأله گفته شده است و انکشاف دادن سیستم های جدید سلاحها از قبیل مرمی های ام. اکس بخاطر تسهیل مذاکرات خلع سلاح، همه و همه اظهارات کاذب اند.

هیچ برنامه یی برای افزایش سلاح شوروی را مجبور نخواهد ساخت که یك جانبه امتیاز بدهد. ما مجبور خواهیم شد که با این مبارزه طلبی جانب امریکا از طریق انکشاف سیستم های سلاح های خود مقابله کنیم و مرمی های مماثل راکت های ام. اکس و راکتهای دارای برد طویل کروز خود راکه همین اکنون درمرحله آزمایش قرار دارد بخاطر مقابله باکروزهای دور برد امریکا جابجا بسازیم.

اینها همه تهدید نیستند ما کاملا مخالف انکشاف حوادث در چنین یك مسیر هستیم و هر آنچه در توان داریم خواهیم کوشید در این مسیر قرار نگیریم.

برای آنانی که سیاست امریکا را قالب می ریزند و همچنان برای عامه مردم جهان بصورت عموم ضروراست که واقعیت وضع امور را بصورت کامل و روشن ببینند. ولی اگر مردم امریکا واقعاً عقیده دارند که سیستم های سلاح های جدید یك کارت برنده بدست امریکایی ها درمذاکرات خواهد بود ما برای آنها می گوئیم که اینها کار تنهای کذایی هستند. هر سیاستی که بسوی برتری نظامی بر شوروی جهت داده شده باشد آینده ندارد و فقط تهدید به جنگ را به اوج جدید خواهد داد.

حالا چند کلمه در باره اینکه ما از تدابیر مربوط به اعتماد دو جانب چه می فهمیم ما در این مورد جدی فکر می کنیم. با در نظر داشت قدرت عمل سریع و قدرت سلاح های مدرن جو سوء ظن متقابل مخصوصاً خطرناك است. حتی یك حادثه از ماشین یك اشتباه در محاسبه یك نقش تخنیکی عاقبت خیلی مصیبت بارخواهد داشت. بنا بر آن لازم است که انگشت ها را از ماشه ها دور کنیم و مصوونیت قابل اتکا در قسمت همه سلاح ها ایجاد نماییم پیشرفت کمی در این ساحه حاصل شده است بخصوص در چار چوب موافقات هلسنکی.

طوریکه همه میدانند اتحاد شوروی تدابیر دارای ماهیت دراز مدت تر و ابعاد وسیعتر را ارایه کرده است. پیشنهاد های ما در این زمینه در مذاکرات بین شوروی و امریکا در ژنیو راجع به تحدید و تقلیل سلاح های هسته یی روی میز گذاشته شده است. هکذا ما آماده ایم پیشنهاد های مربوط دیگران به شمول آنچه را که اخیراً توسط رئیس جمهور امریکا ارایه شده مطالعه کنیم ولی تدابیری که او اشاره می کند کافی نیست فضای سوء ظن متقابل را از میان بر دارد و بجای آن اعتماد را اعاده کند. چیزی بیشتری بکار است و آن عادی ساختن اوضاع و امتناع از دامن زدن خصومت و نفرت و پروپاگند برای جنگ ذروی است.

با اطمینان می توان گفت که فضای اعتماد همه و هر جنگی به شمول یك جنگ تصادفی را مانع خواهد شد و اگر چنین شود منع مسابقه تسلیحاتی به نفع صلح و مناسبات احترام آمیز بین کشور ها انجام شده و جهان به سوی دیتانت باز خواهد گشت.

ما این مطلب را برای تمام مناطق جهان بخصوص اروپا جائیکه حتی یك فیر درآنجا یك انفجار جهانی را بار خواهد آورد مهم میدانیم در حال حاضر این قاره در اثر پلان های جابجا ساختن چندین صد راکت امریکایی در اروپای غربی در معرض خطر جدیدی قرار گرفته است.

می خواهم اشکارا بگویم که این امر صلح را هر چه بیشتر آسیب پذیر خواهد کرد.

طوریکه ما می بینیم تهدید ملت های اروپایی و به همان علت تهدید بر ملت های کشور های سراسر جهان می تواند دفع گردداین به طور حتم ممکن است که صلح را در اروپا استحکام بخشید بدون آنکه امنیت هیچکس متضررگردد. در واقع برای این منظور از یك سال به این سو ما در ژنیو با ایالات متحده در حال مذاکره هستیم تا جنگ افزار های ذروی را در اروپا محدود کنیم و آن راکاهش بخشیم.

اتحاد شوروی حاضر است از اینهم جلو تر برود طوریکه همه کس میدانند ما موافقتنامهٔ را پیشنهاد کردیم که بر مبنای آن از تولید تمام انواع سلاح ذروی به شمول سلاح هسته یی دارای برد متوسط و تاکتیکی که بهمنظور ضربت زدن اهداف در اروپا باشد باید خود داری گردد ولی این پیشنهاد ها با دیوار بزرگ خاموشی از جانب مقابل مواجه گردید در واقع آن ها نمی خواهند این پیشنهاد ها را بپذیرند اما از رد اشکار آن هراس دارند می خواهم یکبار دیگر تاکید کنم که ما این پیشنهاد ها را پس نگرفته ایم.

ما همچنان نمونه دیگری از ین پیشنهاد ها را تقدیم کرده ایم که بر مبنای آن اتحاد شوروی و کشور های عضو پیمان ناتو باید بیش از دو سوم جنگ افزار های دارای برد متوسط خود را کاهش بخشند.

ایالات متحده بنوبه خود مثل آن که به مسخره گرفته است پیشنهاداتی را که به اصطلاح (انتخاب صفر) نامیده می شود پیش نموده است.

این پیشنهادات همه راکت های دارای برد متوسط شوروی را نه فقط در اروپا بلکه در قسمت های آسیایی این کشور میخواهد از میان بر ده شود در حالیکه جبه خانه هسته یی ناتو در اروپا دست نخورده باقی می ماند و حتی افزایش می یابد.

آیا واقعاً کسی فکر می کند که شوروی با چنین یك پیشنهادی می تواند موافقت کند به نظر میرسد که امریکا فیصله کرده است سد راه یك موافقتنامه قرار بگیرد به شکست مذاکرات اشاره می کند و از نصب راکت های خود در خاك اروپا در هر جای که باشد صحبت می نماید.

آینده نشان خواهد داد که آیا وضع چنین خواهد بود ما به نوبه خود کار خود را برای یك موافقتنامه برای عقد اساسی که بر هر دو جانب عادلانه باشد ادامه میدهیم ما آماده ایم که در بین سایر چیز ها موافقه کنیم که اتحاد شوروی در اروپا صرف به همان تعداد راکت داشته باشد که فرانسه و انگلستان دارد و یك راکت هم بیشتراز آن نه، این بدان معنی است که اتحاد شوروی صد ها راکت را به شمول چندین راکت جدیدی که در غرب آن را اس. اس. بیست می گویند کاهش بدهد تا جائیکه به شوروی و امریکا مربوط است این واقعاً یك انتخاب صفر درموردراکتهای دارای برد متوسط خواهد بود.

و اگر بعداً تعداد راکت های برتانیه و فرانسه کاهش یابد به همان اندازه تعداد راکت های شوروی نیز کاهش خواهد یافت.

موازی به آن باید در مورد تقلیل مساوی تعداد طیارات دارای قدرت پرواز متوسط و حامل سلاح ذروی توسط هر دو جانب قرارداد ی عقد گردد ما از جانب مقابل می خواهیم تا این شرایط واضح و عادلانه را بپذیرد و از این فرصت تاازدست نرفته استفاده کند. ولی هیچکس نباید خود را فریب بدهد ما هرگز نخواهیم گذاشت که امنیت خود ما یا از متحدان ما به خطر بیافتد خوب خواهد بود اگر به عواقب وخیم نصب راکت های امریکایی دارای برد متوسط در اروپا برای کوشش ها یکه برای محدود کردن اسلحه ذروی به صورت کل در بر خواهد داشت فکر شود خلاصه توپ اکنون در میدان امریکا است.

در خاتمه اجازه دهید بگویم ما خواهان همکاری وسیع و مثمر میان همه ملت های جهان هستیم و خواهان نفع متقابل بهروزی و آزادی بشریت از سیاست امر و نهی و مداخله در امورداخلی دیگران هستیم.

شوروی هر آنچه در قدرت دارد برای حفظ آرامش آینده صلح آمیز برای نسل موجود و نسل های بعدی خواهد کوشید این هدف سیاست ما ست و از آن انحراف نمی کنیم.

رفقا!

اگر به راهی که جمهوریت های شوروی سوسیالیستی ظرف شصت سال گذشته طی کرده اندبنگریم همه دست آورد ها و پیروزی ها رابه صورت همگون مرتبط با فعالیت های حزب کمونست لیننی خواهیم یافت. حزب نیرومند است ونیرومند باقی خواهد ماند. حزب خلاق است و نیروی بسیج کننده یی است که ترقی اجتماعی در همه عرصه ها را تامین خواهد کرد. در ایدیولوژی در ترکیب و ساختار حزب ما نمونه وحدت و بهم پیوستگی همه ملت ها و ملیت های اتحاد شوروی است و پالیسی خود را برای تامین هماهنگی میان منافع ملی و بین المللی شکل میدهد. حزب آن شرایط اجتماعی را ایجادمی کند که تکامل همه جانبه هر یك از ملت های ما در آن شگوفان گردد واین شرط اساسی برای پیشرفت و شگوفایی تمام سرزمین اتحاد برادرانه ما خواهد بود. وقتی ما می گوییم که مردم و حزب باهم اند در واقع این اظهار یك حقیقت انکار نا پذیر است که اهداف و وظایف تعیین شده حزب خود یك تبارز حقیقی آرمانها و نیازمندی های همه مردم شوروی است. خلق چند ملیونی شوروی با عمل خود سیاست حزب را پیاده می کنند.

یکی از دلایل واضح آن پیروزی های جمهوری های ما ست که همه تامراسم امروز کسب کرده اند.

رفقا!

اجازه دهید سپاس عمیق خود را به ملیونها نفر از پیشگامانی که تعهدات سوسیالیستی خود را به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس اتحاد شوروی انجام داده اند ابراز کنم.

اجازه دهید به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، هیات رئیسه شورای عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی همه مردم شوروی را به مناسبت این روز فرخنده یعنی زاد روز اتحاد بزرگ ما تبریك بگویم.

زنده باد دوستی میان خلق ها، خلق هایی که مصروف اعمار کمونیزم اند.

زنده باد انترناسیونالیزم سوسیالیستی پرولیتری.

زنده باد صلح جهانی.

بگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بشگفد.

(ب)

دانش

معافیت بدن و مکروب ها

مقاومت و یا معافیت بدن نتیجه ارتباط بین انسان و جهان ما یکروارگانیزمی پیرامون و محیط زیست اوست.

در صورت ناهمگونی همین ارتباط برای بدن انسان بیماری های مختلفی را ببار می آورد اساساً انسان در یك محیط زندگی می کند که در آن مکروب ها بی شمار است. متخصصین معتقد اند که در یك گرام خاك قشر زمین به تعداد صد میلیون مکروب و در یك گرام آب گل آلود دریا ها پنج میلیون مکروب موجود می باشد.

تعداد مکروب ها در هوا وابسته به مقدار گردی که در ترکیب آنست می باشد به همین ترتیب دانشمندان رشته طب نظر میدهند که در سطح جلد انسان به صورت مجموعی (۱۰) میلیارد مکروب موجود می باشد.

به همین ترتیب درجوف دهن حس شامه و امعا به تعداد زیاد مکروب ها جا می گیرند اغلب این مکروب ها بکتریا های مفید اند که برای صحت و سلامت موجودیت آن ها لازمی است. ولی علیرغم آن تعداد مکروب های ((متجاوز)) هم از میلیون ها کم نیست. تکثر این بکتریا ها موافق تصاعد هندسی و بسرعت بسیار زیاد می باشد. سیستم معافیت بدن انسان به تناسب مکانیزم مکروبها کمتر دینامیك و متحرك است.

بدن انسان درمقابل برخی مکروب ها سازگاری نشان میدهد و جواب نتهدید کننده آن را می کاهد.

دکتوران در کشور های پیشرفته صنعتی سعی می ورزند تا به عوض راه های مبارزه با این مکروب ها از مکانیزم طبیعی معافیت بدن استفاده نمایند و این مکانیزم را تکامل دهند. زیرا مفاد این اسلوب به مراتب از کشف جدید ترین نوع انتی بیوتیك ها موثر است.

تجزیه مالیکول آب

عملیه ای که مالیکول آب را در حضور نور به عناصر مرکبه آن یعنی هایدروجن واکسیجن تجزیه می نماید به نام فوتولایزس یاد می گردد. پژوهندگان پوهنتون سیروان نوع کتلست را تهیه نموده اند که عملیه فوق را بار ها سریعتر و سهلتر انجام میدهد. اکنون در صنایع سنگین و خاصتاً صنایع کیمیاوی غالب شهر های اتحاد شوروی از ین کتلست وسیعاً استفاده صورت می گیرد. این اختراع دانشمندان اتحاد شوروی در سایر کشور های جهان مورد علاقه و دلچسپی قرار گرفته است. قرار است آن کتلست در آینده به یگانه منبع تجزیه مالیکول آب در سایر رشته های صنعتی جهان تبدیل شود

برج تلویزیون تاشکند

در نیمه دوم سال جاری ساختمان آخرین بلاك برج (۳۷۵) متری تلویزیون تاشکند به انجام رسید. اکنون برود کاست تلویزیون تاشکند در همه شهر ها وروستاهاییکه در ارتفاعات بسیار بلند موقعیت دارد بخوبی میرسد. انجنیران درجه زلزله را از درجات وقوع سایر زلزله های ثبت شده در شهر تاشکند بیشتر محاسبه نموده اند.

ترجمه ((بهزاد))

پژوهش های علمی

در سال های اخیر در اتحاد شوروی بزرگترین اختراعات و کشفیات در عرصه های مختلف ساینس و تکنالوژی صورت گرفته است.

چنانیکه به کشف ذخایر و منابع گاز و نفت در ناحیه سایبریا قدرت اقتصاد ملی اتحاد شوروی چندین بار افزایش یافت. اکنون دانشمندان اتحاد شوروی سعی دارند تا در آینده های نزدیك ساحه فوق را به بزرگترین منبع انرژی تبدیل نمایند. در سال جاری در عرصه جیولوجی بستر ابحار و مطالعات منابع بیولوژیکی ابحار پیشرفت های زیادی محسوس گردید. تحقیقات برای بدست آوردن الماس مصنوعی دانشمندان اتحاد شوروی را در اختراعات بزرگتر کمك نمود. در سال جاری دانشمندان وپژوهندگان اتحاد شوروی برای بار اول عناصر هایدروجن و زنون فلزی را دریافت کردند امروز بدون تردید ریاضیات تمام ساحات فعالیت بشر را تحت الشعاع خود قرار داده است.

دانشمندان شوروی در بسیاری عرصه های ریاضی در صدر اول جهان قرار دارند. به عنوان مثال در تیوری اعداد تیوری نسبیت. تیوری توابع جبری.

صحت و سگرت

در باره مضریت های دود سگرت دانشمندان همواره هشدارهای خود راارایه کرده اند. و پژوهندگان می کوشند تا تحقیقات خود را در این باب ادامه دهند وآن رابه مردم بازگو کنند. تحقیقاتی که تاکنون در مورد تجزیه و تشخیص ترکیبات دود سگرت صورت گرفته است همه دانشمندان متفق الرای اند که خطرناك ترین ماده دود تنباکو ماده زرد رنگ نیکوتین است. یك قطره نیکوتین برای کشتن یك اسپ کافی می باشد. نیکوتین برعلاوه اشتهای غذا را به قدر کافی کاهش میدهد.

مینا توریست های جوان سازمان هنری غلام محمد میمنگی هنگام کار بالای تابلو های شان. (عکاسی ح.ا.ث)

بررسی پیشنهاد:

دورهٔ کودکستانها باید ۱۲ ماهه شود!

روزنامه حقیقت انقلاب ثور در شماره مسلسل ۳۵۰ مورخ ۲۶میزان ۱۳۶۱ خویش تحت همین عنوان پیشنهاداتی را به نشر سپرده بود که درزمینه پاسخ آتی از طرف ریاست کودکستانها فرستاده شده است.

عطف به مکتوب شماره ۲۳ مورخ ۲۷ر۷ر۱۳۶۱ شما عنوانی وزارت تعلیم و تربیه نموده متذکر میگردد.

ریاست کودکستانها همواره سعی ورزیده تا در حدود امکانات بودجوی وپلان انکشافی خویش به صورت احسن در خدمت خانواده ها قرار

درسال ۱۳۶۰ کودکستان شیرپور در هر چهار فصل فعال بود و در زمستان سالجاری هم فعال است. برعلاوه کودکستان عینو واقع درقصبه کارگری کهدرطی سال ۱۳۶۱ افتتاح شده است نیز به غرض رفع نیازمندی زنان کارگر در زمستان امسال فعال است. از آنجاییکه فیس ۱۵۰۰ افغانی کودکستانهای صبح الی عصر صرف برای ۹ ماه سال است ومصارف زمستان درآن سنجش نشده برای سه ماه زمستان بادرنظر داشت مصارفی که بالای طفل صورت میگیرد واین مصارف شامل تغذیه طفل و تسخین و تنویر اتاق ها است فیس جداگانه از اولیای که طفل خویش را در زمستان شامل کودکستان مینماید اخذ میگردد.

سایر کودکستانهای صبح الیعصر وصبح الی ظهر ریاست کودکستانها نسبت نداشتن شاگرد زمستانی نمی‌تواند فعال باشد.

به ارتباط وسعت گسترش کودکستانها ی صبح الی ظهر با ئیسمت متذکر شد که ریاست کودکستان هادر پلان انکشافی سال ۱۳۶۲ خویش انکشاف یکتعداد کودکستانهای صبح الی ظهر را به صبح الی عصر در نظر دارد وهم اکنون بالای تطبیق پلان برای سال ۱۳۶۲ کارصورت میگیرد.

فیس کودکستانها به وسیلهٔ لایحه مرتبه به وسیله وزارت محترم تعلیم وتربیه از اولیا اخذ میگردد که اخذ ربع وار فیس پروبلم های محاسبوی را برای ریاست کودکستانها ایجادمینماید وحتی در قسمت تادیه پول به حساب واردات دولت سکتگی وارد میگرددو بعضاً والدین فیس را به موقع نمی‌پردازند که ریاست کودکستانها به ارتباط پرداخت فیس به اقساط تجارب ناگوار دارد.

به ارتباط لت وکوب اطفال درداخل کودکستانها بایست متذکر شد که مطابق لایحه وظایف واستخدام کودکستانها در صورت وقوع به مرتکب آن تاسطح اخراج جزا داده میشود.

دراخیر ریاست کودکستانها از همکاری روزنامه محترم ابراز سپاس مینماید. شاد باشید

(صفیه حسابی)

معاونهٔ ریاست کودکستان ها

یاد داشت:

پاسخ کنونی ریاست محترم کودکستانها تقریباً عین مطالبی است که در متن پیشنهادی منتشره در شماره یاد شده حقیقت انقلاب ثور، رئیسه کودکستانها مصاحبهٔ باگزارشگر ما ابراز داشته بود. چنین استنباط می‌شود که به مطالب پیشنهادی ما غور کافی بعمل نیامده است. پیشنهادات ماجنبهٔ دورنمایی دراز مدتی را دربر دارد که لازم است در پلان، بودجه و مقررات جدید و آینده کودکستانها مطمح نظر گرفته شود. بدینجهت پاسخ کنونی ریاست کودکستانها متاسفانه یك دفع الوقت سطحی است.

ما کماکان بر قوت پیشنهادات خود تاکید میداریم وخواستاریم که بادر نظر داشت شرایط ونیازهای مادی و معنوی مشخص کشور ما، آیندهٔ آن و تجارب گرانبهای جهان مترقی این پیشنهادات واصولا همه پیشنهادات و طرح های منتشره درین روزنامه تحت غور ژرف واقدامات ممکن ولازم گرفته شود.

از اقدام ریاست کودکستانها در گسیل این پاسخ ابراز تشکر مینماییم وما مسوولین این ریاست را به هیچوجه ازین رهگذر مورد ملامت قرار نمی‌دهیم، زیرا اصولا موضوع غور و اجراآت مراجع بالاصلاحیت تر را ایجاب میکند. «اداره»

آغاز فستیوال فلم ها

به مناسبت تجلیل از شصتمین سالگرد تاسیس دولت اتحاد شوروی سوسیالیستی فستیوال فلم های مستند کشور های سوسیالیستی بعد ازظهر دیروز طی مراسمی آغازگردید.

یك منبع خانه علم و فرهنگ به نماینده ح.ا.ث گفت:

در جریان فستیوال هشت فلم مستند از کشور های اتحاد شوروی بلغاریا، چکوسلواکیا هنگری ویتنام آلمان دیموکراتیك، کیوبا و مغلستان به نمایش گذاشته خواهدشد. (سماء)

گوش الکترونیکی

گروپی از دانشمندان پوهنتون استانفورد ایالات متحده امریکامصروف تحقیقات در مورد گوش الکترونیکی میباشند. قرار گفته آنها در آینده نزدیك گوشهای الکترونیکی بشکل دوسکه ساخته‌خواهدشد که اشخاصی که قوه شینوایی خود را از دست‌داده‌اند میتوانند به خوبی بشنوند.

از دور جهان

کاد گاردن واقع آیستی با آهنگ‌های جدید خود روی ستیژ ظاهر شدند سن اوسط نوازنده ها وخواننده های این انسامبل ۹۰سال‌میباشد.این هنرمندان در سراسر اتحاد شوروی از محبوبیت خاصی بر خوردار میباشند.

موزیم نمک

چندی قبل در شهر اریتوموف واقع او کرائین موزیمی گشایش یافت که درآن نمونه های از انواع و اقسام نمك در جهان به نمایش گذاشته است. بیننده ها می توانند درین موزیم صدها نوع نمك راکه در موارد مختلف ازآن ها بعمل می آید درین موزیم تماشا نمایند.

انسامبل پیران

انسامبل فلکلوریك پیران قریه

مسابقه عکاسی ح.ا.ث

ژاله

عکاسی ظاهر صابر از آژانس باختر

بازگشت بوطن

چهار هزار خانواده از مردم شریف ریگستان ولایت کندهار مردم شریف ریگستان ولایت هلمند که در اثر تحریکات و تبلیغات دشمن خارج از کشور رفته بودند با درك حقانیت انقلاب ثور و استفاده از ارزش های انسانی مرحله نوین و تکامل آن یکجا بابزرگان و موسفیدان خود از جمله حاجی شیر محمد، حاجی سلام خان، گل خان، حاجی محمد علی، محمدعلم و حاجی بنو خان، بوطن باز گشتند.

از این چهار هزار خانواده از هموطنان ما منسوبین حزبی ودولتی ولایات متذکره استقبال بعمل آوردند.

مساعدت

سه تخته قالین به ارزش یکصدو دوازده هزار افغانی را سه تن باشندگان با احساس شهر کندز به شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن

خبرهای کوتاه داخلی

ولایت کندز مساعدت نموده که از طرف آن شورا باتشکر پذیرفته شده است.

توزیع اموال امدادی

به مناسبت تجلیل از شصتمین سالگرد تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شورای مرکزی جبهه ملی پدر وطن یکمقدار اموال امدادی کشور دوست اتحاد شوروی را به‌مردم مستحق ناحیه چهارم شاروالی کابل توزیع نمود.

این اموال شامل البسه و پاپوش میبا شد.

ورزش

ورزشکاران افغانی آینده خوبی دارند

به اساس روابط کلتوری کمیتهٔ ملی المپیك افغان ـ شوروی یك تیم شش نفری تینس بازان کشوردوست و برادر اتحاد شوروی چندی قبل جهت انجام یك سلسله مسابقات دوستانه و تمرینات مشترك وارد کابل گردیده که در مدت توقف آنها در کابل خبرنگار ما مصاحبهٔ با سرگروپ تیم تینس ازبکستان اتحاد شوروی انجام داده است که اینك به نشر می رسد.

رشید نصیب الله ویچ رئیس هیات در پاسخ سوالی گفت: این تیم ورزش که به شهر زیبای شما جهت انجام یك سلسله مسابقات دوستانه و تمرینات مشترك آمده از جمله تیم های جوان تینس بازان جمهوریت ازبکستان است که درسطح تیم های جوان سراسری اتحاد شوروی مقام پنجم ودرسطح جمهوریت ازبکستان اتحاد شوروی مقام سوم را دارد. بهترین پیلر تیم ما بوگه تیریوف جوان ۱۶ ساله است‌که عضو تیم ملی سراسری جوانان اتحاد شوروی میباشد. تافعلا بوگه تیروف و پیلر دیگر تیم ما یعنی‌مارکین در مسابقات بین المللی تینس‌اشتراك کرده و تا دور فاینل مسابقات توانستند راه یابند هردو ورزشکار ما ماستر سپورت هستند راز موفقیت ورزشکاران ما در مشق و تمرین متداوم است. طور مثال بوگه‌تیریوف روزانه ۶ـ۷ ساعت تمرین میکند و همچنان اشتراك ورزشکاران ما در مسابقات متعدد که‌باز هم گفته‌میتوانیم که هر ورزشکار ما سالانه تقریباً درسی تورنمنت که هر تورنمنت‌شامل چندین مسابقات میباشد اشتراك می ورزند. مثالی از بوگه تیریوف داده میتوانم که بوگه تیریوف درسال گذشته در ۱۶۰ مسابقه اشتراك داشت که این خود راز موفقیت ورزشکاران ما را نشان میدهد.

رشید نصیب الله ویچ یکی از تینس‌بازان از بکستان در موردچگونگی رشد وانکشاف ورزش در افغانستان گفت: جان سخن دراینست درشرایط انقلابی که امروز در افغانستان موجود است ریاست کمیته ملی المپیك و ریاست ورزش افغانستان به ورزش تینس مشکل و بر مصرف تینس در پهلوی سایر رشته های ورزشی توجه داشته ورزشکاران را دراین راه تربیه وجلب وجذب می نمایند. به ذات‌خود یك موفقیت بزرگ‌است وآینده خوبی دارند. «رضا»

معلومات

تلویزیون

چارشنبه

- ۴ر۶ پروگرام کودك و فلم کارتونی
- ۳۰ر۶ پروگرام زن و جامعه
- ۲۵ر۷ موسیقی
- ۲۵ر۸ آزمونگاه ذهن
- ۲۵ر۹ بر نامه خارجی

رادیو

چارشنبه

- ۳۰ر۶ پیام بامدادی
- ۰۵ر۸ کورنی ژوند
- ۰۵ر۹ درپرده های ساز
- ۰۵ر۱۰ موسیقی محلی و نغمه
- ۰۵ر۱۱ دریچهٔ زندگی
- ۰۵ر۱۲ پروگرام کارگر
- ۰۵ر۳ رادیو صدای مردم
- ۰۵ر۴ پروگرام علمی
- ۰۵ر۶ پروگرام دهقان
- ۰۰ر۹ جام جم
- ۰۵ر۱۰ پروگرام شعر و قصه
- ۰۰ر۱۱ بزم غزل

دواخانه ها

درملتون های نوکریوال امشب

اسم درملتون	آدرس	تیلفون
آریایی	میرویس میدان	
جاوید	جاده میوند	۳۱۶۲۱
اسمعیل	پل خشتی	۲۴۱۳۷
علی	خیر خانه	
تیموری	جمال‌مینه	۴۰۹۴۱
شریف	شاه‌شهید	۲۶۷۲۶
توفیق	تایمنی واټ	۳۲۶۴۳
اسلمی	باغ‌بالا	۲۱۸۱۲
آسمایی	آسمایی واټ	۲۰۱۳۵
نقشبندی	جاده میوند	۲۰۵۸۹
بری	جاده اندرابی	۲۰۵۲۳
رنا	چارراهی‌ملك‌اصغر	۲۰۵۳۷
پروان	مقابل باغ‌زنانه	۳۰۰۶۵
وحیدی	مقابل سینمای پارك	۳۲۵۹۳
لقمان	سینمای پامیر	۲۴۱۷۴
نصیر	ده‌دانا	
فیضی	بینی حصار	
فهیم	کلوله پشته	۳۱۵۴۰
نوی دیدار	جاده میوند	

علاوه بر درملتونهای فوق الذکر شعبات د بلخی ابن سینا درملتی موسسه نیز ۲۴ ساعت به‌روی مراجعین محترم باز است.

تیلفون

سوچبورد کمیته مرکزی	۲۵۷۴۱-۴۴
کمیته ولایتی	۴۲۹۴۱
کمیته شهری	۴۰۷۸۶
ناحیه اول	۲۱۸۹۲
ناحیه‌دوم	۲۲۳۷۴
ناحیه سوم	۴۲۳۵۹
ناحیه چارم	۳۰۰۷۵
ناحیه پنجم	۳۰۸۵۰
ناحیه ششم	۴۱۴۰۸
ناحیه هفتم	۴۲۳۶۰-۴۱۸۵۲
ناحیه هشتم	۲۲۳۵۷
ناحیه نهم	۲۴۷۶۲ - ۲۲۶۵۰
ناحیه دهم	۲۰۸۲۷-۲۳۲۲۹
ناحیه‌یازدهم	۳۱۶۵۲
سازمان د.ج.ا	۲۳۴۳۱
اتحادیه‌های صنفی	۲۳۰۴۰
سازمان د.ز.ا	۲۱۳۹۵
کوپراتیف های دهقانی	۳۲۲۱۱

شفاخانه ها

شفاخانه اکادمی‌علوم طبی	۳۲۱۴۴
شفاخانه علی آباد	۴۰۲۴۲
شفاخانه‌عاجل ابن‌سینا	۲۲۰۵۱
شفاخانه جمهوریت	۲۵۸۸۱
شفاخانه صحت طفل	۲۳۸۴۱
ملالی‌زیږنتون‌ومعلومات	۳۱۴۶۸

حوزه های امنیتی

حوزه‌اول، پل‌باغ‌عمومی	۲۲۹۰۰
حوزه‌دوم، پښتونستان‌واټ	۲۳۳۵۶
حوزه‌سوم، کارته‌٤	۴۱۴۰۰
حوزه‌چهارم، کارته‌پروان	۳۱۶۸۷
حوزه‌پنجم، خوشحال مینه	۴۱۲۷۱
حوزه ششم، قلعه شاده	۴۲۸۵۵
حوزه‌هفتم، گذرگاه	۴۲۶۰۰
حوزه هشتم، شاه شهید	۲۵۸۰۰
حوزه نهم شش درك	۲۵۹۰۰
حوزه دهم شیرپور	۳۱۶۰۰
حوزه یازده، خیرخانه مینه	۳۱۶۵۱

اطفائیه عاجل ـ ۱۳

زیر نظر هیات تحریر — مدیر مسئول: محمد ...
تیلفونها: معاون: ۲۲۷۴۸ — سوچبورد: ۲۲۶۵۹ ، ۲۴۷۱۵ ، ۲۴۲۵۵ — اداری: ۲۴۵۷۵ — صندوق پستی: ۷۸۰ — شکایات توزیع: ۲۶۸۵۹ — حساب بانکی: ۹ر۱۰۱۸۰
قیمت یکشماره ۲۰ افغانی — چاپ ویب آفست مطبعه دولتی